پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۶۴ - ۱۴۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۷

ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه ایران فرهنگی

جواد حق گو[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱

چکیده

مرزهای ایران امروز تنها در برگیرنده کشور ایران به عنوان یک واحد مستقل سیاسی است. این مرزها تنها براساس معاهدات سیاسی شکل گرفته و نمی‌تواند محدوده ایران فرهنگی به عنوان یک مجموعه وسیع‌تر از ایران سیاسی را در خود جای دهد. نگاهی تاریخی-جامعه‌شناسانه به بسیاری از کشورهای پیرامونی که تمام آنها به غیر از کشور ارمنستان در محدوده جهان اسلام قرار می‌گیرند حکایت از آن دارد که بخش گسترده‌ای از این مناطق به‌خصوص بخش‌هایی که به نحوی دنباله اقوام مرزنشین ایرانی محسوب می‌شوند هم به جهت تاریخی و هم از حیث جامعه‌شناسانه در ذیل یک واحد مستقل به نام ایران فرهنگی که دارای مختصات مشخصی است، قرار می‌گیرند. امری که متاسفانه غالباً مورد غفلت سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی قرار گرفته است. مروری بر ادوار مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان از آن دارد که نگرش غالب به این مناطق بیش از آنکه فرهنگی-نرم‌افزارانه باشد، سیاسی-سخت‌افزارانه بوده است. این غفلت تا کنون صدمات زیادی را به کشور وارد نموده است. با توجه به اهمیت این موضوع سؤال اصلی این مقاله در گام نخست بر چرایی اولویت این منطقه در سیاست خارجی ج.ا.ایران از منظر شاخصه‌های قدرت نرم تمرکز یافته و در گام بعد چگونگی شکوفایی ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی کشور در این مناطق در مقام پرسش قرار گرفته است.

برای پاسخ به این سؤالات با بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته و در ادامه با کاربست روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آموزه‌های جوزف نای درباره قدرت نرم به ویژه تاکیدات وی بر سه مؤلفه/وجه «فرهنگ-زیبایی»، «ارزش‌های اساسی-شکوه» و «سیاست خارجی-خیرخواهی» به عنوان سه منبع/بعد اصلی قدرت نرم تلاش شد تا ضمن بازخوانی ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در این مناطق به تبیین چرایی اولویت این مناطق در سیاست خارجی ج.ا.ایران از منظر مولفه‌های قدرت نرم پرداخته شود. در ادامه نیز با استفاده از دکترین هسته-پیرامون به ارائه راه‌کارهایی عملیاتی برای به فعلیت رساندن ظرفیت‌های نرم‌افزارانه ایران در این مناطق پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جوزف نای، دکترین هسته-پیرامون.

۱. استادیار گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی دانشگاه تهران jhaghgoo@ut.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مقدمه

تکثر قومی ایرانیان غالباً به عنوان یک تهدید نگریسته شده است. در ایران معاصر چه دوران قاجار و پهلوی و چه حتی دوران جمهوری اسلامی نگرش‌های بدبینانه با استدلال‌های سیاسی–امنیتی درباره مسئله اقوام ایرانی غلبه داشته است. تنها به عنوان یک مثال ساده می‌توان به تحقق با تأخیر برخی از حقوق مسلم اقوام ایرانی نظیر بهره‌مندی از امکان آموزش زبان مادری که در فصل دوم قانون اساسی در ذیل اصل پانزدهم به صراحت درج شده اشاره کرد. یکی از دلایلی که غالباً بدین منظور طرح می‌شده حضور دنباله برخی از این قومیتها در خارج از مرزهای ایران بوده است.

وضعیتی که به تعبیر برخی امکان تشدید فعالیت‌های گریز از مرکز توسط قومیتهای مرزنشین ایرانی را تقویت می‌نماید. موضوعی که اگر از زاویه‌ای دیگر نگریسته شود نه تنها امکان افزایش اقدامات گریز از مرکز را افزایش نخواهد داد بلکه در صورت اتخاذ تدابیر مناسب می‌تواند معکوس عمل کرده و اقدامات الحاق‌گرایانه دنباله‌های ایرانی‌ای که امروز در کشورهای همسایه زیست می‌کنند را تقویت نماید.

با توجه به اهمیت این موضوع در این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله خواهیم بود که اولاً این منطقه از منظر مولفه‌های قدرت نرم مدنظر جوزف نای چرا باید جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ و ثانیاً چگونه می‌توان بر اساس این جایگاه ویژه ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این مناطق را با حداقل هزینه و کمترین زمان ممکن به فعلیت رساند؟

پاسخ به این چرایی و چگونگی در دو گام صورت گرفته است. در گام نخست پس از طرح نظریه قدرت نرم جوزف نای و ترسیم جغرافیای ایران فرهنگی به بازخوانی ظرفیت‌های عدیده نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ا در این مناطق پرداخته‌ایم. در این بخش با اشاره به جذابیتهای مدنظر نای به تبیین عقلانی گزاره‌ای پرداخته‌ایم که اولویت اول سیاست خارجی ایران را منطقه ایران فرهنگی دانسته است. گفتنی است اگرچه منطقه ایران فرهنگی فراتر از امتداد ژئوپلتیکی اقوام ایرانی در کشورهای همسایه است اما در این پژوهش این امتداد ژئوپلتیکی مورد بحث قرار گرفته است.

در گام دوم با نگاهی فرصت‌گونه به حضور دنباله‌های قومی ایران در آنسوی مرزها و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ارائه دکترین هسته-پیرامون به چگونگی تقویت نفوذ ایران در منطقه ایران فرهنگی پرداخته شده است. بر اساس آموزه‌های این دکترین تحکیم رابطه هسته مرکزی تمدن ایرانی با پیرامون داخلی و به‌تبع تحکیم رابطه پیرامون داخلی با پیرامون خارجی می‌تواند این امر را محقق نماید.

۲. چارچوب نظری

تردیدی وجود ندارد که قدرت همواره به مثابه مهمترین ابزار دستیابی به اهداف موردتوجه دولتمردان بوده و هست. در یک کلام می‌توان گفت که قدرت توانایی و ظرفیت انجام کارها است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲؛ گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸) بر همین اساس می‌توان گفت که قدرت، توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تاثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸) نظریه روابط بین‌الملل به طور سنتی غالباً درگیر بعد سخت قدرت بوده است. موضوعی که به تبع در حوزه نظریه سیاست خارجی نیز تسری یافته است. اگرچه نباید این موضوع را بدان معنا تعبیر نمود که وجه دیگر قدرت یعنی بعد نرم موردتوجه اندیشمندان روابط بین‌الملل نبوده اما واقعیت آن است که این بعد از قدرت غالباً در ذیل همان معنای «قدرت سخت» که مدنظر رئالیست‌ها است گنجانده شده و کمتر به عنوان یک متغیر مستقل و منفرد بدان اشاره شده است. به عنوان امری پذیرفته‌شده در میان دانشوران روابط بین‌الملل مفهوم قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای، نظریه‌پرداز آمریکایی در نشریه آتلانتیک مطرح شده است. نای در ادامه تبیین این اصطلاح در سال ۱۹۹۰ در کتاب دیگری تلاش کرد تا با واکاوی جایگاه قدرت نرم ایالات متحده به اهمیت آن در برابر قدرت سخت این کشور بپردازد. وی در این کتاب برخلاف برخی دیدگاه‌ها مبنی بر افول هژمونی آمریکا، نشان داد که آمریکا نه تنها به لحاظ قدرت نظامی و اقتصادی، بلکه در بعد قدرت نرم نیز قوی‌ترین کشور به شمار می‌آید. او برای اولین بار قدرت نرم را چنین تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم، آن هم از طریق جذب، نه اجبار». نای در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب دیگری به نام «پارادوکس قدرت آمریکا» مجدداً به طرح مسئله در رابطه با قدرت نرم می‌پردازد.

نای تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای را از قدرت پیشنهاد می‌دهد که در ذیل آن قدرت به سه دسته نظامی، اقتصادی و نرم قابل تقسیم است. به تعبیر نای قدرت نظامی و اقتصادی هر دو

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ماهیتی سخت دارند اما قدرت نرم از این جهت با آنها متفاوت است که بر توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران ابتناء یافته است. به تعبیر نای دقیقاً همین جذابیت است که باعث فرمان‌برداری و تبعیت دیگران می‌گردد. (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۰۹؛ Nye, 2007: 90; Lukes, 2007: 163)

قدرت نرم از لحاظ مفهومی در تقابل با وجوه دیگر قدرت تعریف می‌شود. در واقع، هسته بنیادین مفهوم قدرت سوای از جنبه‌های گوناگون آن، اشاره به بکارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است. جوزف نای، در تعریف قدرت نرم بر ویژگی‌های متمایزی از قبیل «قابلیت شکل دادن به علایق دیگران»، «توانایی تعیین اولویت‌ها»، «توانایی و قدرت جذابیت» تاکید می‌کند. اگر چه «نای»، قدرت نرم را به مثابه «وجهه دوم قدرت» قلمداد می‌کند اما آن را در ارتباط با قدرت سخت می‌داند. به باور نای، قدرت سخت گاهی اوقات می‌تواند در مقام قدرت نرم، کارویژه جذابیت که محور اصلی قدرت نرم است را برای مخاطبان ایفاءکند. به عنوان مثال، «قدرت فرماندهی»، «اسطوره‌های شکست‌ناپذیری» درکنار «اقتصاد قوی و کارآمد» می‌تواند منبعی مهم برای جذابیت در انظار و افکار عمومی به شمارآید (Nye, 1990: 15-17).

نای از سه عامل به عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد. به اعتقاد وی فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی سه منبع اصلی قدرت نرم کشورها هستند. البته نای هیچکدام از این سه مؤلفه را به طور مطلق به کار نبرده و برای اثرگذاری آنها شرایطی را ترسیم می‌نماید. به باور وی فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج موردتوجه قرار گیرند و البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورتی‌که مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند. (Nye, 2010: 4; Nye, 2007: 164)

به عقیده نای قدرت نرم ناظر بر اذهان و افکار عمومی بازیگران بوده، به طریقی که اولویت‌ها و سلایق آنها را به نفع نتایج مطلوب بازیگر رقیب تغییر می‌دهد. از اینرو، منابع قدرت نرم غیر ملموس و غیر محسوس است و در واقع، برخلاف منابع قدرت سخت که مبتنی بر رفتار دستوری است، منابع قدرت نرم ناظر بر رفتار متقاعد کننده است (نای، ۱۳۸۹: ۴۶). از طرفی دیگر، قدرت نرم از جنس اقناع ناظر بر جاذبه است. قدرت نرم در نهایت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۴۴
سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

تلاش بر «همانندی و همکاری» است. قدرت نرم از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ارزش‌های جهان شمول و مشترک درصدد ایجاد نوعی تشبه به همانندی است که با حاصل شدن این امر، همکاری در راستای تأمین نتایج مطلوب محقق می‌شود. چنین امری سبب شده است که فرایند کاربرد قدرت نرم مستمر، تدریجی، عرضی و رتبه‌ای باشد. از آنجا که ماهیتاً قدرت نرم بر جاذبه تاکید داشته لذا فرآیند جذب امری زمان‌بر و پیچیده است و طیف وسیعی از کنش‌های رفتاری ناظر بر جاذبه را دربر می‌گیرد (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۵). به اعتقاد نای قدرت نرم در قالب وجوه متفاوتی می‌تواند منجر به تولید قدرت گردد. سه وجه «زیبایی»، «شکوه»، و «خیرخواهی» از جمله متداول‌ترین این وجوه است (وواینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶–۱۴۰). البته تاکید نای بر اقناعی بودن قدرت نرم را نمی‌توان بدان معنا دانست که هیچ نوع از اجباری در اعمال آن وجود ندارد. به تعبیر بسیاری از اندیشمندان پست مدرن ازجمله میشل فوکو در پس پرده قدرت نرم نیز نهایتاً نوعی اجبار غیرمستقیم وجود دارد.

۳. گستره ایران فرهنگی

در یک عبارت ساده می‌توان گفت که منظور از ایران فرهنگی مناطقی است که در آن‌جا فرهنگ ایرانی حضور دارد و این مناطق نمی‌توانند محدود به مرزهای سیاسی شوند. ملت ایران از معدود ملت‌های چند هزار ساله است که هرگز دچار گسست هویتی نشده و جزء کوچکی از یک فرهنگ بزرگ‌تر نبوده است. ایران در روزگار کهن تا ماوراءالنهر، شبه قاره، جهان عرب، آسیای صغیر و مناطقی از آفریقا و اروپا بسط داشت. حوزه تمدن ایرانی؛ شامل منطقه جغرافیایی وسیعی است که از درون چین می‌آید و کشمیر و فلات پامیر را در برمی‌گیرد و به آسیای کنونی می‌رسد؛ کشورهای این حوزه را به انضمام افغانستان و پاکستان شامل می‌شود؛ ایران فعلی را در خود جای می‌دهد؛ از اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس و نواحی ساحلی آن در هر دو سو؛ خود را به قفقاز تا دریای سیاه و مدیترانه می‌رساند. به عبارت دیگر گستره تباری و فرهنگی ایران نه تنها محدود به مرزهای جغرافیایی ایران کنونی و حتی مجاورت این مرزها نیست، بلکه هم‌تبارهای ایرانی در گستره‌ای بسیار دورتر از ایران کنونی نیز حضور دارند. نکته بسیار مهم در این رابطه آن است که ایران فرهنگی به عنوان یک واحد هم‌بسته نه‌تنها همواره دارای نهادهای فرهنگی و تاریخی خاص خویش بوده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

بلکه توانسته است در طول قرنها در فرهنگ‌های دیگر نیز تاثیرگذار باشد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

ایران فرهنگی همواره با دو سری از عوامل به عنوان موانعی بر سر راه بازسازی حوزه تمدنی ایرانی مواجه بوده است؛ عوامل خارجی و عوامل داخلی. در بررسی عوامل خارجی باید به طور ویژه به نقش انگستان و اتحاد جماهیر شوروی در تضعیف حوزه تمدنی ایران اشاره کرد. (پهلوان، ۱۳۷۷: ۱۱۷) همچنین آمریکا به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشان داده است که با این حوزه تمدنی سر ناسازگاری دارد. (پهلوان، ۱۳۷۷: ۳۴۹) با همه این اوصاف نخستین دخالت‌ها که از قرنها پیش آغاز شده بود، مربوط به دولت انگلیس است. زمانی‌که انگلیس به شبه‌قاره گام نهاد کوشید تا زبان و ادبیات فارسی را که در هند شامل بنگلادش و پاکستان امروزی و حتی بخش‌هایی از چین رواج داشت از مردم این سامان منقطع کند و جای آن را به ادبیات انگلیسی دهد. گرچه انگلیس در این کوشش خود به طور کامل موفق نشد ولی توانست از نفوذ فرهنگ ایرانی در آن سامان بکاهد و به همین علت پارسی‌سرایان و پارسی‌نویسان هند و پاکستان به حداقل رسیدند و می‌بینیم که بعد از اقبال لاهوری کمتر نامی درخور فرهنگ ایرانی در آن سامان می‌توان یافت. به این ترتیب زبان پارسی که روزگاری زبان رایج دربارهای هندوان و حکمرانان منطقه بود، به زبان انگلیسی و هندی تبدیل شد.

در کنار اقدامات استعماری قدرتهای بزرگ باید به تحرکات تمدن‌گریز در خارج از مرزهای ایران نیز تمرکز داشت. برخی از طیف‌های فکری با تمام قدرت می‌کوشند با نفی وجود تمدن مشترک منطقه‌ای؛ آیین تمدن‌گریزی را به گونه‌ای بی‌همتا در حوزه تمدن ایرانی ترویج دهند. در خارج از مرزهای ایران به عنوان نمونه می‌توان به پان‌ترکیسم، پشتونیزم، پان‌ازبکیسم (پهلوان، ۱۳۷۷: ۳۱) پان‌عربیسم، پان‌کردیسم، جریانات افراطی مذهبی و...، اشاره داشت.

در کنار تمام این تهدیدها و مخاطرات باید این نکته را مد نظر داشت که؛ جوهر یک ملت اینست که همه افراد نقاط مشترک داشته باشند. در انسان چیز والاتری از زبان وجود دارد و آن اراده است. یک ملت اصلی است روحی، نتیجه پیچیدگی عمیق تاریخی، خانواده‌ای روحانی نه یک گروه معین که بوسیله پیکر زمین مشخص شود. حاصل آنکه ملت بیشتر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مربوط به روح است تا جسم. روح هر ملتی را باید در فرهنگ آن جستجو کنیم. (خوبروی پاک، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۴) هردر نخستین کسی است که تعلق به جامعه را یک نیاز اساسی برای بشر دانست. او هرگاه واژه ملی یا روح ملی را به کار می‌برد؛ منظورش فرهنگ ملی است. (برلین، ۱۳۷۱: ۱۲۲)

از همین روی اصول سیاست خارجی ج.ا. ایران نباید نسبت به این موضوع اساسی بی‌تفاوت باشد. این موضوع آنگاه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که بدانیم بسیاری از ملل پیرامونی کشورمان که به نحوی در ذیل منطقه ایران فرهنگی قرار دارند به نحوی دنباله اقوام مرزنشین ایرانی محسوب می‌شوند. وضعیتی که می‌تواند هم به مثابه تهدید و هم به مثابه فرصت نگریسته شود. در مجموع پنج قوم آذری، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن در بخش وسیعی از مرزهای ایران حضور داشته و دنباله آنها در خارج از مرزهای سیاسی ایران و در ذیل محدوده ایران فرهنگی قابل ردگیری است. با توجه به اهمیت این وضعیت در این پژوهش محدوده ایران فرهنگی ناظر به این مناطق است که در ادامه تلاش شده تا به طور گذرا مختصات و ویژگی‌های این مناطق مورد بررسی قرار گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱-۳. آذری‌ها

قوم آذری زبانهای ایران از اقوام ایرانی‌الاصل بوده و در قسمت شمال غربی ایران سکونت دارند. این گروه که پس از اقوام فارس‌زبان در رتبه بعدی در ترکیب ملی ایران قرار دارد در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان استقرار داشته (رفعتی و دیگران، ۱۳۹۷) و ادامه آن به استان همدان و غرب گیلان گسترش یافته است؛ علاوه بر این، در شهرهای تهران، قم، اراک و قزوین نیز به صورت ادغام اجتماعی جمعیت قابل‌توجهی را شامل می‌شود. (احمدی و درازی، ۱۳۹۳) آذری‌ها در متغیرهای زبان و احساس قومیت با فارس زبان‌ها تفاوت دارند اما در متغیر مذهب با اکثریت ملت مشترکند. گفتنی است آذری‌زبانان ایرانی با ترک‌های قفقاز و ساکن در آن سوی مرزها وجوه مشترک زیادی دارند. همانطور که گفته‌شد این امر می‌تواند هم تهدید باشد و هم فرصت. البته باید توجه داشت که این مسئله تنها مختص به محدوده جمهوری آذربایجان نمی‌شود و عمده‌ترین اختلاف‌ها در روابط ایران و ترکیه هم در بخش فرهنگی به صورت اعم و مذهب به صورت اخص وجود دارد (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۳)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۲-۳. کردها

مردم کرد از اصیل‌ترین اقوام ایرانی هستند. کردهای ایران از دو مذهب شیعه و سنی برخوردار هستند. کردها که سومین گروه جمعیتی از ملت ایران به شمار می‌آیند، در غرب کشور، در استانهای کردستان، کرمانشاه، جنوب آذربایجان غربی زندگی می‌کنند و بخش‌هایی از منطقه کرد نشین خارج از قلمرو سیاسی ایران مشتمل بر نواحی شمالی عراق، جنوب شرقی ترکیه و شمال شرقی سوریه است. برخی از کردها در شمال خراسان و گروهی نیز در کشور ارمنستان به صورت اقلیت قومی به سر می‌برند. (جهانی و دیگران، ۱۳۹۴) در مجموع کردها در ریشه‌های نژادی، تاریخی و برخی خصلت‌های فرهنگی با بخش مرکزی ایران دارای مشترکات هستند اما از جهات مذهبی، قومی و زبان با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در عوض با نواحی کرد نشین خارج از مرزها همگونی بیشتری دارند. البته باید توجه داشت که کردهای شهرهایی چون کرمانشاه از حیث مذهب غالباً شیعه هستند.

۳-۳. اعراب

عرب‌های ایران غالباً در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان استقرار دارند. مردم این منطقه عمدتاً شیعه مذهبند و از حیث مذهب با بخش مرکزی ایران همگونی دارند. دنباله اقوام عرب‌زبان کشور در مناطق پیرامونی به‌ویژه کشور عراق امتداد یافته است. (نواح و دیگران، ۱۳۹۵) بعد از حمله ایالات متحده به عراق و سقوط صدام و نقش‌آفرینی قابل‌توجه شیعیان در تحولات سیاسی این کشور شرایط را برای بهره‌مندی بیشینه جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های فرهنگی موجود در این منطقه مهیا نموده است.

۴-۳. بلوچ‌ها

یکی دیگر از اقوام ایرانی قوم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان است. این استان هم‌مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان بوده و از جنوب سواحل دریای عمان را در بر می‌گیرد. استان سیستان و بلوچستان شامل دو بخش کلی است؛ بخش شمالی آن را سیستان و بخش جنوبی آن را بلوچستان در بر می‌گیرد. هر دو قوم اصلاً ایرانی بوده که سیستانی‌ها عمدتاً شیعه و بلوچ‌ها اغلب سنی مذهب هستند. سیستانی‌ها از اصیل‌ترین اقوام آریایی‌اند و زبانشان ریشه در زبان فارسی دارد اما در مورد بلوچ‌ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی ایشان را از اقوام آریایی و برخی معتقدند بلوچ‌ها اصالتاً عرب هستند. (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۵؛ هادیان و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ریگی، ۱۳۹۳؛ حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۲) فارغ از این اختلافات موضوع اساسی آن است که دنباله قوم بلوچ به عنوان قومی با تضادهای زبانی، نژادی و مذهبی در کشور پاکستان امتداد یافته است. موضوعی که می‌تواند فرصت و یا تهدیدی برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۵-۳. ترکمن‌ها

ترکمن‌های ایران در بخش شمالی استان گلستان و ناحیه‌ای کوچک از شمال غربی خراسان، یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن، مراوه تپه و جرگلان بجنورد استقرار دارند. قلمرو قوم ترکمن از این منطقه واقع درشرق دریای مازندران آغاز شده به سمت آسیای مرکزی گسترش و امتداد پیدا می‌کند. (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶؛ شیرخانی و سبزی، ۱۳۹۴) ترکمن‌ها که نسبت به دیگر اقوام حاشیه‌ای ایرانی، قلمرو فضایی محدودتری دارند همانند برخی از کردها و غالب بلوچ‌های ایرانی در سه متغیر زبان، قومیت و مذهب از بخش مرکزی ایران متمایزند و بالعکس با کشور ترکمنستان در این سه ویژگی اشتراک وتجانس دارند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۴. ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه ایران فرهنگی

همانطور که در چارچوب نظری گفته شد به تعبیر نای وجود یک نوع جذابیت باعث اقناع، فرمانبرداری و تبعیت دیگران می‌گردد. (Nye, 2007: 90) به تعبیر نای قدرت نرم در نهایت تلاش بر «همانندی و همکاری» است. بر اساس نگاه نای این همانندی و همکاری از طریق سه منبع ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست خارجی قابل تحقق است. سه منبعی که می‌تواند در قالب سه وجه «زیبایی»، «شکوه» و «خیرخواهی»(وو‌ینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۴۰) از حالت بالقوه به صورت بالفعل درآید.

بر این اساس تردیدی وجود ندارد که این سه منبع اصلی قدرت نرم و وجوه سه‌گانه آن باید موردتوجه سیاستگذاران امر سیاست خارجی کشور قرار گیرد. بر اساس این نگاه به نظر می‌رسد مناطقی از ایران فرهنگی که در امتداد دنباله‌های پنج قوم ایرانی بعلاوه قوم فارس در کشورهای همجوار قرار گرفته‌اند از هر جهت باید در اولویت دستگاه‌های متولی سیاست خارجی در این مناطق قرار گیرند. مناطقی که در کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه و عراق قابل ردگیری است. در ادامه ادعای خود را از دریچه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

چارچوب نظری نای و در سه محور «فرهنگ/ زیبایی»، «ارزش/ شکوه» و «سیاست خارجی/ خیرخواهی» واکاویده‌ایم.

۱-۴. فرهنگ/ زیبایی

در سطح فرهنگ می‌توان به نمودهای فرهنگی‌ای که ریشه در جغرافیای تمدنی ایرانی-اسلامی دارند اشاره کرد. نمودهایی که هم در زیبایی‌های باستانی تمدن ایرانی وجود دارد و هم در زیبایی‌های اسلامی-شیعی منطقه ایران فرهنگی. تردیدی وجود ندارد که برای تحقق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید به هر دو شاخه هویتی تمدن ایرانی-اسلامی توجه شود و نگاه تک‌سویه به تنها یکی از این شاخه‌ها ابتر و بی‌فایده خواهد بود.

تردیدی وجود ندارد که آئین‌های مذهبی ایرانیان که در ذیل مناسبت‌های گوناگونی از عزاداری سیدالشهدا در ماه‌های محرم و صفر گرفته تا آئین‌های مخصوص به ماه‌های رجب، شعبان و به ویژه رمضان نقشی اساسی در بالفعل شدن قدرت نرم ایران در تمام مناطق ایران فرهنگی دارد. مناطقی که تماماً مسلمان‌اند و بسیاری حتی پیرو مکتب تشیع.

پیاده‌روی سالانه اربعین حسینی که در سال‌های پس از سقوط صدام هر سال پرشورتر از قبل برگزار می‌گردد را باید مصداقی عملیاتی از امکان تحقق این ظرفیت به شمار آورد. موضوعی که فراتر از تشیع امامیه با ایجاد یک «ابرهویت» توانسته نماد و نشانه «زیبایی» در دنیای یخ‌زده از معنویت مدرن باشد. موضوعی که در کانون پژوهش‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی غربی قرار گرفته است. (حق‌گو و دیگران، ۱۳۹۷) البته تردیدی وجود ندارد که ظرفیت‌هایی از این دست در گام نخست باید در مناطقی از ایران فرهنگی نظیر عراق، جمهوری آذربایجان و ترکیه که به نوعی دنباله شیعیان ایران حساب می‌شوند موردتوجه قرار گیرد.

همانطور که اشاره شد بهره‌مندی از آئین‌های مشترک مربوط به ماه‌های رجب، شعبان و به ویژه رمضان از دیگر ظرفیت‌های نرم‌افزارانه مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه فرهنگی است. موضوعی که تقریباً در تمام مناطق پیرامونی کشور عمومیت دارد و در بسیاری از موارد به‌رغم تفاوتهای مذهبی اشتراکات فراوانی برای بیشینه‌سازی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. اعیاد بزرگ قربان و فطر را باید نماد بارزی از این عمومیت به شمار آورد.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

با توجه به تحولات سال‌های اخیر و مبارزه بسیاری از شیعیان و حتی اهل تسنن با گروه‌های تکفیری‌ای نظیر داعش نباید از ظرفیت این رخداد و پیامدهای آن نیز به عنوان عاملی برای بیشینه‌سازی قدرت نرم ایران غفلت شود. تردیدی وجود ندارد که هرگونه پاسداشتی که برای شهدای مدافع حرم ایرانی و غیرایرانی گرفته شود می‌تواند زمینه تحقق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اولین مدافع فرهنگ شهادت و جهاد در دنیای امروز به همراه داشته باشد. در امتداد همین موضوع نباید از ظرفیت‌های بالای تبلیغی حوزه‌های علمیه و نهادهای تبلیغاتی معارف اسلامی که شبکه‌ای گسترده را در بسیاری از مناطق پیرامونی ازجمله عراق تشکیل شده‌اند، غفلت شود.

زبان و ادبیات فارسی را نیز باید دیگر متغیر فرهنگی‌ای به شمار آورد که ظرفیت بسیار بالایی برای بیشینه‌سازی قدرت نرم کشور در این منطقه دارد. موضوعی که به دلیل آنکه آمیخته‌ای از ایرانیت و اسلامیت را در خود جای داده می‌تواند در تمام مناطق پیرامونی کشور از پاکستان گرفته تا جمهوری آذربایجان را تحت پوشش قرار دهد. اهمیت این موضوع آنگاه بیشتر قابل ادراک است که بدانیم متاسفانه در بسیاری از کشورهای پیرامونی نظیر افغانستان و پاکستان زبان فارسی در حال مرگ تدریجی است. امری که با تشدید آموزش زبان انگلیسی در حال وقوع است و بی‌تردید نباید ساده از کنارش گذر کرد. ترویج و تبلیغ جهانی ادبای پارسی‌گوی فرازمان و فرامکانی چون فردوسی، حافظ، سعدی، رودکی، خیام، مولانا و...، بی‌تردید در افزایش قدرت نرم ایران تاثیرات به‌سزایی می‌تواند داشته باشد.

بهره‌مندی از ظرفیت آئین‌هایی چون جشن نوروز که آنهم نمادی از ایرانیت و اسلامیت است و در بسیاری از مناطق پیرامونی رواج دارد دیگر متغیر اثرگذار در به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ایران در این مناطق خواهد بود. موضوعی که در دنباله‌های اکثر اقوام مرزنشین ایرانی به ویژه آذری‌ها و کردها قابلیت تحقق دارد چراکه همین آئین و آئین‌های مشابه با شباهتهای فراوان به طور مستمر در این مناطق نیز برگزار می‌شود.

در کنار آئین‌های ایرانی–اسلامی‌ای از این دست نباید از ظرفیت‌های صرفاً باستانی تمدن ایرانی غفلت شود. آثار باستانی بی‌بدیلی که در استان‌های مختلف ایران به ویژه همدان، فارس و اصفهان قرار دارد متغیر بسیار تاثیرگذاری برای جذابیت و اقناع مردمان منطقه ایران فرهنگی خواهد بود. مردمانی که با قومیت‌های مختلف وقتی نام اسطوره‌های تمدن ایران از کوروش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

گرفته تا رستم را می‌شنوند دوست دارند هویت خود را به نحوی از انحاء به این اسطوره‌ها پیوند دهند.

۲-۴. ارزش/ شکوه

نقش‌آفرینی ارزش‌های اساسی به عنوان دومین منبع تولید قدرت نرم در نگاه نای زمانی ادراک می‌شود که مروری بر تاریخ تحولات روابط بین‌الملل داشته باشیم. با وقوع انقلاب فرانسه ارزش‌هایی که حکم بر برابری، برادری و آزادی می‌داد به مرور در اروپا فراگیر شد. ارزش‌هایی که تا پیش از آن چندان موضوعیتی در سیستم‌های سیاسی پادشاهی نداشت و اساساً مردم در نزد حکمرانان دنیایی و اخروی (پادشاه/ کلیسا) جایگاهی نداشتند. با انقلاب فرانسه و تکثیر این ارزش‌های نوین دیری نپایید که طی چندین دهه گفتمان انقلابیون فرانسه بر جامعه اروپایی و به‌تبع در سطح جهان حاکم شد. (نقیب زاده، ۱۳۹۸) امری که البته با مقاومت‌های فراوان طرفداران نظم قدیمی مواجه شد. با تحقق این موضوع و وقوع انقلاب‌هایی به تبعیت از انقلاب فرانسه این فرانسه بود که توانست قدرت خود را بسیار بیش از قبل در اروپا و جهان تثبیت نماید. الگویی ایده‌آلی که برای بسیاری از مردم اروپا تبدیل به نماد شکوه و عظمت شد. (نقیب زاده، ۱۳۹۸)

در همین ارتباط باید گفت که الگوی سیاسی‌ای که در نتیجه انقلاب اسلامی بر ایران حاکم شد را باید دقیقاً مصداق ارزش شکوهمندی تلقی نمود که در سال‌های گذشته توانسته جای خود را به‌رغم تمام تقابل‌ها در میان بخش قابل‌توجهی از مردم و سیاستمداران منطقه ایران فرهنگی باز کند. مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای شکوهی را برای ایران به وجود آورده که به‌رغم تمام فشارها و تحریم‌های اقتصادی تبدیل به الگویی معنادار برای بسیاری از ملل منطقه به‌ویژه اقوام ایرانی ساکن در منطقه ایران فرهنگی شده است.

ارزش‌هایی چون استقلال، آزادی، وحدت و تمامیت ارضی که در بندهای متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره شده (اصل ۹ و دیگر اصول) در کنار ارزش‌های برتری چون مقاومت در برابر هرگونه سلطه‌گری (اصول ۲، ۱۵۲ و دیگر اصول) شکوهی معنادار برای ایران به وجود آورده که خود می‌تواند در صورت تدبیر عالمانه به افزایش قدرت نرم‌افزاری کشور در مناطق پیرامونی به طور خاص منطقه ایران فرهنگی مدنظر این تحقیق

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

که به جهات گوناگون تاریخی و جامعه‌شناسانه از چسبندگی بیشتری با هسته مرکزی ایران برخوردارند، تبدیل شود.

۳-۴. سیاست خارجی/ خیرخواهی

یکی دیگر از منابع تولید قدرت نرم جوزف نای سیاست خارجی کشورها است. امری که به اعتقاد نای در دوران حکمرانی روسای جمهور جمهوری‌خواه و جنگ‌طلب ایالات متحده غالباً ضربه خورده است. در رابطه با این منبع باید اشاره شود به همان میزانی که سیاست خارجی می‌تواند منبعی برای تولید قدرت نرم و بیشینه‌سازی قدرت کشورها شود در مقابل ظرفیت کاهش قدرت کشورها را نیز دارد. به اعتقاد نای بسیاری از رفتارهایی که در حوزه سیاست خارجی دولت‌هایی چون بوش پسر و ترامپ اعمال شده نه تنها بر قدرت ایالات متحده نیفزوده بلکه در بسیاری از موارد باعث کاهش قدرت نرم این کشور شده است.

تردیدی وجود ندارد که هرگونه تلقی خیرخواهانه از رفتار دولت‌ها در حوزه سیاست خارجی می‌تواند منبعی اثرگذار بر افزایش قدرت نرم دولت‌ها در مناطق دیگر باشد. بر این اساس فارغ از نیت دولت‌ها و سیاست‌های اعمالی آنها در حوزه سیاست خارجی مهمترین مسئله در این رابطه نوع برداشت و تلقی دولت‌ها و ملت‌های پیرامونی از این رفتار است. موضوعی که تا کنون به انحاء گوناگون توسط اندیشمندان شاخه‌های مختلف دانش سیاست از ماکیاولی و مورگنتای رئالیست گرفته تا الکساندر ونت سازه‌انگار مورد تاکید قرار گرفته است.

نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اتفاقاً جمهوری اسلامی ایران از این منظر دارای مزیت نسبی فراوانی است. حمایت‌های بدون چشمداشت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین، عراق، سوریه، لبنان و یمن در سال‌های اخیر برای تقابل با رژیم صهیونیستی و گروه‌های تکفیری‌ای چون داعش به تعبیر بسیاری از اندیشمندان دانش روابط بین‌الملل باعث افزایش منزلت نرم ایران در مناطق پیرامونی شده است. نوع مناسبات مثبت و اثرگذار دولت جمهوری اسلامی با تمام کشورهایی که بخشی از دنباله قومیت‌های مرزنشین ایرانی در آنها زیست می‌کنند تائیدی بر این ادعا است.

بازخوانی مفاد مربوط به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که به طور خاص در فصل دهم قانون اساسی و در ذیل اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ طرح شده (متن قانون اساسی جا.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ا) نشان از آن دارد که ابتنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این اصول طی چهار دهه گذشته ظرفیت بسیار ارزشمندی برای تثبیت منزلت نرم ایران به بار آورده است. امری که البته هنوز به شکل مطلوبی شکوفا نشده است.

همانطور که گفته‌شد قدرت نرم از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ارزش‌های مشترک درصدد ایجاد نوعی تشبه به همانندی است که با حاصل شدن این امر، همکاری در راستای تأمین نتایج مطلوب آغاز می‌شود. تمام این موارد حکایت از آن دارد که منطقه ایران فرهنگی به دلیل داشتن ظرفیت بسیار بالای همکاری باید در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. پس از پذیرش صحت چرایی این امر ضروری است که به چگونگی این موضوع نیز پرداخته شود. موضوع مهمی که در ادامه مورد واکاوی قرار گرفته است.

۵. چگونگی تحقق ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ا در منطقه ایران فرهنگی

همانطور که گفته‌شد سخن از پاسداشت و حمایت از تنوع زبانی، قومی، مذهبی و...، در محیط‌هایی نظیر ایران که از انسجام بالای اجتماعی برخوردار هستند، نه تنها بی‌ضرر که مطلوب نیز است (وحید، ۱۳۸۳: ۲۶۷) واقعیت آن است که بقای اقوام ایرانی تنها در درون یک بستر تمدنی نیرومند ممکن می‌گردد. (وحید، ۱۳۸۳) امری که تنها با استفاده از یک سیاست خارجی هوشمندانه با بهره‌مندی از ظرفیت‌های نرم‌افزارانه قابلیت تحقق دارد. در ادامه به تبیین دکترین هسته- پیرامون پرداخته‌ایم. رهنامه‌ای که به نظر می‌رسد کم هزینه‌ترین و سریع‌ترین راه برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایران فرهنگی است.

حوزه تمدنی ایران را می‌توان به سه منطقه نفوذ تقسیم کرد:

۱- هسته مرکزی: این منطقه نقش بقاء و ترویج این تمدن را ایفا می‌کند، که در این ناحیه فرهنگ ایرانی به عنوان فرهنگ مسلط و غالب شناخته می‌شود. در واقع هر منطقه‌ای در داخل قلمرو سیاسی ایران که خارج از محیط پیرامون داخلی باشد دراین حوزه قرار می‌گیرد.

۲- پیرامون داخلی: این منطقه از لحاظ سیاسی واقع در قلمرو سیاسی ایران است، اما به دلیل وجود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون (که در اصل همگی بخشی از فرهنگ ایران هستند) در این ناحیه، گاهاً به دلایل گوناگون داخلی و به ویژه القائات خارجی هویت خود را هویتی جدا از هسته مرکزی می‌پندارند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۳- پیرامون خارجی: این منطقه در واقع دنباله پیرامون داخلی می‌باشد. البته این توضیح لازم است که مقصود از دنباله مفهومی جغرافیایی نیست. این دنباله‌ها از لحاظ سیاسی روزگاری جزء قلمرو ایران محسوب می‌شده‌اند اما امروز به دلایل گوناگون در قلمرو سیاسی دولتهایی غیر از ایران هستند، اما به دلیل حضور تاریخی پررنگ ایران در این نواحی، نفوذ و تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی به وضوح قابل مشاهده است.

راهبردهایی که در این بخش ارائه خواهد گردید در اصل به دو فاز کلی تقسیم می‌شوند:

ابتدا راهبردهایی ارائه خواهد گردید که با اتخاذ آن بتوان شکاف‌های موجود بین هسته مرکزی و پیرامون داخلی را حل‌وفصل نمود و تمایل پیرامون داخلی به هسته مرکزی را افزایش بخشید و در ادامه به ارائه راهبردهایی پرداخته‌ایم که با اتخاذ آنها گرایشات متمایل به پیرامون داخلی در پیرامون خارجی تقویت خواهد شد. این نکته حائز اهمیت است که در صورت موفقیت در فاز اول باید فاز دوم را آغاز نمود، چرا که اگر فاز دوم در حالیکه فاز اول به نتیجه مطلوب نرسیده آغاز شود و همگرایی پیرامون داخلی به پیرامون خارجی تقویت گردد، درحالیکه پیوند پیرامون داخلی با هسته مرکزی درحد مطلوب تقویت نگردیده خود این امر ممکن است مخاطراتی نظیر گسترش فعالیت‌های گریز از مرکز را درقالب اقدامات جدایی‌طلبانه، خودمختاری و...، در پی داشته باشد.

باید توجه داشت که از روش‌های افراطی آزمون‌شده مانند تلاش برای محو اختلافات در جامعه‌ای توده‌ای و یا برخورد مستقیم با اختلافات فرهنگی و جوامع حامل آنها باید پرهیز کرد و باید راه‌حل را در تلفیق برابری با تنوع فرهنگی جستجو کرد. تلفیق برابری با تفاوت موجبات نزدیک شدن را فراهم می‌کند. (تورن، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۹) چنین ترکیبی این فرصت را پدید می‌آورد که اقلیتهای قومی، مذهبی و...، ضمن تاکید بر هویت خود در ذیل یک هویت بالاتر با عنوان هویت ملی مشارکت داشته باشند.

۱-۵. راه‌کارهای پیشنهادی برای نزدیکی هسته مرکزی به پیرامون داخلی

در این راستا راه‌کارهای گوناگونی را می‌توان ارائه داد، اما در اینجا ما با در نظر گرفتن دو اصل:

۱- هزینه کمتر

۲- نتیجه‌دهی در زمان کوتاهتر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

به شرح این راه‌کارها پرداخته‌ایم، که عبارتند از:

۱- اجرایی کردن اصل مصرح در قانون اساسی ناظر بر رواج زبانهای گوناگون قومی در کنار زبان رسمی: بدین معنا که در کنار رسمیت و ترویج زبان فارسی، باید زبانهای ترکی، کردی، بلوچ، عرب و ترکمن را در مناطقی که این زبانها در سطح وسیعی تکلم می‌شود به رسمیت شناخته و تدریس وآموزش این زبانها را در کنار زبان فارسی در مناطق مزبور تجویز نماییم. اساساً با اهمیت دادن به همین موضوعات است که شاهد پرورش روزافزون فرهنگ عام ایرانی که مجموعه‌ای از این خرده‌فرهنگها می‌باشد خواهیم بود. چنین تنوع زبانی و آموزشی غنای فرهنگ کشور را سبب می‌گردد و آسایش خاطر گروه‌های قومی مورد نظر را تأمین می‌کند.

۲- برقراری عدالت در سطح توسعه‌یافتگی تمام مناطق کشور: ایران دارای ساختار فضایی مرکز پیرامونی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه‌یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است، که این نابرابری باید رفع گردد.

۳- برقراری سیستم مناسب ارتباطی در بین بخش‌های مختلف کشور: در این چارچوب می‌توان به نمونه سیستان بلوچستان اشاره کرد که به دلیل عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب با سایر نقاط کشور از عقب‌افتادگی محسوس رنج می‌برد.

۴- تبلیغ و تاکید بر ریشه‌های تاریخی مشترک، نمادهای ملی مشترک، فرهنگ و تمدن درخشان مشترک، مفاخر دینی و ملی مشترک: که این تبلیغ از طرق گوناگون به منصه ظهور خواهد رسید به ویژه به نقش رسانه ملی تاکید می‌گردد و نیزبه نقش روزافزون فضای سایبر بیش از هر چیز دیگری تاکید می‌گردد.

۵- تاکید بر وجود تهدیدات خارجی‌ای که بقا، تمامیت ارضی و امنیت ملی یک ملت را به مخاطره می‌اندازند، برای ایجاد همگرایی بیشتر در برابر دشمن مشترک خارجی.

۶- پرهیز از عمیق شدن اختلافات مذهبی و تکیه بر دین مشترک با محوریت رسول خاتم: در این راستا به ویژه با توجه به آنکه بخشی از اقلیتهای ایرانی در پارامتر مذهب با هسته مرکزی ناهمگونی دارند باید بر مفاهیمی نظیر اتحاد اسلامی بیش از پیش تاکید گردد.

۷- تبلیغ و تاکید بر آرمانهای مشترک ملی-مذهبی: این مورد به دلیل اهمیتش به شکل

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جداگانه تاکید می‌گردد، چه آنکه اگر جمعیتی در انتظار آینده‌ای باشند که خواهد آمد خود این امر و اشتراک در رسیدن به هدف نقش به سزایی در همگرایی خواهد داشت.

۸- تاکید بر آموزش: کودکان ایرانی از همان آغاز باید بیاموزند که ایران کشوری است که با مجموعه‌ای از قومیتها معنا می‌دهد. این ذهنیت باید در کتابهای درسی به ویژه و در رسانه‌ملی به شکل هدفمند ایجاد گردد و کودکان ایرانی بدانند که برابر ولی متفاوتند.

۲-۵. راه‌کارهای پیشنهادی برای نزدیکی پیرامون داخلی به پیرامون خارجی

در ارائه راه‌کارهای پیشنهادی برای نزدیکی پیرامون داخلی به پیرامون خارجی همانگونه که اشاره شد اتخاذ این راه‌کارها تنها با اجرای موفقیت‌آمیز فاز اول نتیجه مطلوب را در بر خواهد داشت، به بیان دیگر فاز اول مقدمه‌ای لازم وکافی برای ورود به فاز دوم است. در این بخش با ارائه سه راهبرد کوتاه مدت (اقتصادی)، میان مدت (فرهنگی) و بلند مدت (سیاسی) به چگونگی شکوفایی ظرفیت‌های نرم‌افزارانه کشورمان در این مناطق پرداخته شده است. دو اصل مبتنی برکم‌هزینگی ونتیجه‌دهی در کوتاه‌مدت در این بخش هم مورد تاکید است.

۱-۲-۵. راهبرد کوتاه مدت (اقتصادی)

برای آنکه بتوان گرایشات همگرایانه را در منطقه پیرامون خارجی ایجاد نمود در کوتاه مدت حربه اقتصادی بیش از هر حربه دیگری جواب خواهد داد، چرا که هیچ چیز ملموس‌تر از اقتصاد که با معیشت و زندگی روزمره مردم سروکار دارد نمی‌تواند مؤثر باشد. برای اجرای این راهبرد که در صورت موفقیت مسیر را برای اجرای راهبردهای دیگر هموار خواهد نمود باید به این مهم توجه ویژه مبذول داشت که به دلیل وجود همگونی‌های قومی، فرهنگی، نژادی، زبانی و مذهبی در مناطق پیرامون داخلی با مناطق پیرامون خارجی (به عنوان نمونه می‌توان به همگونی‌های آذری‌های مستقر در خاک ایران و آذری‌های مستقر در خاک جمهوری آذربایجان اشاره داشت) شرایط بسیار مساعدی برای سرمایه‌گزاری در مناطق پیرامون خارجی و مراودات این منطقه با پیرامون داخلی ایجاد شده است. راهبرد اقتصادی را باید به دو مرحله تقسیم نمود:

الف) اقداماتی که باید در حوزه اقتصاد در پیرامون داخلی به اجرا در آید: در این ارتباط باید توجه داشت که؛ تا زمانیکه پیرامون داخلی از موقعیت ضعیف اقتصادی برخوردار می‌باشد هیچ‌گونه جذابیتی برای پیرامون خارجی به وجود نخواهد آورد. برای رفع بی‌رونقی اقتصادی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

در اکثر مناطق پیرامون داخلی باید با در نظر گرفتن اصل مزیت نسبی هر کدام از این مناطق به یک قطب منطقه‌ای تبدیل گردند که برای این منظور اختصاص بخش ویژه‌ای از درآمدهای نفتی به این امر بسیار مثمر ثمر خواهد بود. این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که برای به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های نرم‌افزارانه کشور در پیرامون خارجی لازم است که پیرامون داخلی نه تنها از لحاظ توسعه در برابری و تعادل با هسته مرکزی قرار بگیرد بلکه از آنجائیکه تقویت پیرامون داخلی خود عاملی خواهد بود برای تقویت هسته مرکزی، باید این تعادل را به نفع پیرامون داخلی بر هم زد. دلیل تاکید بر این امر آنست که؛ پیرامون خارجی بیشتر از آنکه با هسته مرکزی در تماس باشد با پیرامون داخلی در تماس و مراوده است.

ب) اقداماتی که باید در ارتباط با رابطه اقتصادی پیرامون داخلی با پیرامون خارجی به مرحله اجرا درآید: انجام مرحله اول اقتصادی به عنوان پیش‌مقدمه مرحله دوم باید مدنظر قرار گیرد بدان معنا که ابتدا باید به تقویت بنیانهای اقتصادی پیرامون داخلی پرداخته شود و سپس شرایط گسترش روابط پیرامون داخلی با پیرامون خارجی به مرحله اجرا در آید، چرا که در صورت عدم موفقیت مرحله اول و ورود به مرحله دوم مخاطرات گوناگونی ممکن است در ابعاد سیاسی و اقتصادی برای کشور ایجاد شود؛ وابستگی پیرامون داخلی به اقتصاد پیرامون خارجی در زمانیکه پیرامون داخلی از ضعف اقتصادی برخوردار است دور از ذهن نخواهد بود که این امر نه تنها به مطلوب نخواهد رسید بلکه بر عکس پیرامون داخلی را به پیرامون خارجی وابسته خواهد نمود که خود این امر تبعات گوناگون در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را برجای خواهد گذاشت. با فرض اجرای موفقیت آمیز مرحله اول به شکل مختصر راه‌کارهایی برای گسترش روابط اقتصادی پیرامون داخلی با پیرامون خارجی و ایجاد وابستگی پیرامون خارجی به پیرامون داخلی و به تبع به هسته مرکزی ارائه می‌گردد.

ب-۱) دامپینگ اقتصادی و وابسته کردن بازار پیرامون خارجی به کالاهای تولیدشده در پیرامون داخلی، این امر علاوه بر محکم کردن پیوند دو منطقه موجب وابستگی پیرامون خارجی به محصولات پیرامون داخلی و توسعه روزافزون پیرامون داخلی خواهد شد.

ب-۲) ایجاد بازار مشترک منطقه‌ای در هر کدام از این مناطق با محوریت مرکز ثقل اقتصادی که در پیرامون داخلی جای خواهد داشت.

ب-۳) استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌هایی چون اکو و تبدیل آن به یک سازمان که در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جغرافیای ایران فرهنگی همچون اتحادیه‌ای پیوند دهنده عمل می‌نماید (مدل اتحادیه اروپا نمونه مطلوبی در این مورد می‌تواند باشد)

ب-۴) افزایش مراودات بانکی.

ب-۵) پیرامون خارجی باید به بازار پیرامون داخلی وابستگی پیدا کند.

ب-۶) گسترش سرمایه‌گزاری در پیرامون خارجی از طریق تسهیل شرایط و تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گزاری در این مناطق و نیز ایجاد تسهیلات برای سرمایه‌داران پیرامون خارجی به سرمایه‌گزاری در پیرامون داخلی.

۲-۲-۵. راهبرد میان مدت (فرهنگی)

پس از شکل‌گیری پیوندهای مستحکم اقتصادی در روابط پیرامون داخلی با پیرامون خارجی وقت آن خواهد رسید که متولیان امر سیاست خارجی با ترویج منابع سه‌گانه قدرت نرم مدنظر جوزف نای (فرهنگ، ارزش‌های اساسی و سیاست خارجی) پیرامون خارجی را نسبت به هویت اصیل خویش آگاهتر نماید. در این راستا اقداماتی نظیر دامپینگ فرهنگی باید مورد تاکید قرار گیرد. بدان معنا که ایران محصولات فرهنگی‌ای که به بازسازی و احیاء حوزه تمدن ایرانی یاری می‌رسانند را به صورت رایگان در اختیار پیرامون خارجی قرار دهد، هزینه این کار از منافع حاصله از مرحله اقتصادی باید تأمین گردد. این اقدام فرهنگی با ابزارهای گوناگون رسانه‌ای باید صورت بپذیرد و از کوچک‌ترین ظرفیت‌ها باید استفاده شود. در این راستا می‌توان به مواردی اشاره کرد: پذیرفتن سهل دانشجویان این منطقه، برگزاری همایشو نشستهای تخصصی، تأسیس رسانه‌های هدفمند، ایجاد و حمایت از اِنجی‌اُهای حامی این ایده، استفاده حداکثری از فضای سایبر، گسترش پوشش شبکه‌های تلویزیونی ایران، حمایت همه‌جانبه از نخبگان کشورهای همسایه که این ایده را قبول دارند، ساخت فیلم و سریال از تجربه‌های تاریخی (دینی-ملی) مشترک و یا از حوادث تاریخی که به جدایی منجر شد، استفاده از ابزار نافذ شعر و سرودهای حماسی و چاپ و ترجمه اشعار ایرانی، تولید و پخش آهنگ‌ها و سرودهای ایرانی، استفاده از پتانسیل ورزش به ویژه فوتبال مانند بازی‌های ثابت سالیانه، استفاده از بازیکنان آن کشورها در لیگ ایران و بالعکس و..... البته باید توجه داشت که قرار دادن راهبرد فرهنگی بعد از راهبرد اقتصادی لزوماً به معنای تقویت فعالیت‌های فرهنگی و نرم‌افزارانه نیست. تردیدی وجود ندارد که به فراخور شرایط می‌توان دو راهبرد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اقتصادی و فرهنگی را تومان پیش برد. نکته بسیار مهم آن است که هرگونه غفلت و کوتاهی در ماموریت‌هایی که در ذیل راهبرد اقتصادی تعریف می‌شوند اگر همزمان با ماموریت‌های فرهنگی صورت پذیرد می‌تواند آثار عکس و حتی فاجعه‌باری را برای کشور ایجاد نماید. شرایطی را تصور کنید که به لحاظ اقتصادی به جای اینکه پیرامون خارجی به پیرامون داخلی وابسته شود پیرامون داخلی به پیرامون خارجی وابسته شود، در این شرایط اتخاذ ماموریتهای مربوط به رهبرد فرهنگی نه تنها مثبت نیست بلکه می‌تواند تمایلات تجزیه‌طلبانه را در پیرامون داخلی تقویت نماید.

۳-۲-۵. راهبرد بلند مدت (سیاسی)

در بلند مدت که پیوندهای اقتصادی و فرهنگی پیرامون داخلی و خارجی مستحکم گردید و قدرت نرم ایران در این مناطق به نحو حداکثری به فعلیت رسد با شرایطی مواجه خواهیم شد که پیرامون خارجی تمایلات الحاق‌گرایانه را از خود بروز خواهد داد. در این شرایط ایران بدون هرگونه اقدام مستقیم سیاسی دارای اهرم‌هایی در کشورهای منطقه است که خواهد توانست با فشار این اهرم‌ها به بسیاری از منافع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود در منطقه ایران فرهنگی دست پیدا کند و نه تنها جایگاه ایران فرهنگی را بازسازی و تثبیت نماید بلکه در ادامه خواهد توانست به ارتقاء این جایگاه نیز بیندیشد.

نشانه‌های موجود حکایت از آن دارد که بسترهای لازم برای تحقق این ایده وجود دارد و بسیاری از دنباله‌های اقوام ایرانی در کشورهای همسایه مستعد پذیرش این ایده هستند. در صورتی که این ایده به نحو غیرسیاسی رواج یابد، ساکنان پیرامون خارجی به سوی الحاق آن منطقه به ایران متمایل خواهند شد. تجربه اتحادیه اروپا می‌تواند راهنما و مشوق خوبی باشد. اصولاً مردم در کشورهایی که در آنها سابقه امپراطوری وجود داشته، بسیار مستعد وحدت و گسترش قلمرو هستند تا تجزیه.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نتیجه‌گیری

در این مقاله برای پاسخ به این سؤال اولیه که چرا منطقه ایران فرهنگی باید در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد به ارائه چارچوب نظری قدرت نرم از منظر جوزف نای پرداختیم. در ادامه و پس از ترسیم مختصات منطقه ایران فرهنگی در این پژوهش با تبیین سه منبع اصلی تولید قدرت نرم یعنی فرهنگ، ارزش‌های اساسی و سیاست خارجی و نیز سه وجه زیبایی، شکوه و خیرخواهی به عنوان وجوه اساسی قدرت نرم کشورها، ظرفیت‌های باشکوه نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در این مناطق مورد واکاوی قرار گرفت.

البته مقاله تنها به چرایی متوقف نشد و در ادامه و با هدف پاسخ به چگونگی تحقق این ظرفیت‌ها با ارائه برنامه‌های عملیاتی در ذیل دکترین هسته–پیرامون به ارائه راه‌کارهایی مشخص برای به فعلیت رسیدن قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این مناطق پرداخته شد. در این دکترین با تقسیم حوزه تمدنی ایران به سه منطقه هسته مرکزی، پیرامون داخلی و پیرامون خارجی، راه‌کارها در قالب دو فاز ارائه شد.

فاز اول به عنوان مقدمه‌ای برای فاز دوم به راه‌کارهایی اختصاص یافت که با اتخاذ آنها شکاف‌های موجود میان دو منطقه هسته مرکزی و پیرامون داخلی برطرف خواهد شد. در فاز دوم که اجرای آن پس از اجرای موفقیت‌آمیز فاز اول توصیه گردید به ارائه راه‌کارهای پیشنهادی خود درقالب سه راهبرد کوتاه مدت (اقتصادی)، میان‌مدت (فرهنگی) و بلندمدت (سیاسی) پرداخته شد. گفته‌شد که با اتخاذ این راهبردها به شیوه صحیح، گرایش‌های متمایل به پیرامون داخلی در پیرامون خارجی تقویت خواهد شد. امری که می‌تواند به نحوی بایسته ظرفیت‌های نرم‌افزاری سیاست خارجی ج.ا.ایران در این مناطق را بالفعل سازد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ:

الف) منابع فارسی

۱) افضلی، رسول، ذکی، یاشار و دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیتهای آن در عرصه بین الملل از دید کارشناسان»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۲-۱۲۱.

۲) احمدی، نعمت و درازی، علی (۱۳۹۳)، «آذربایجان و هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۴۸-۱۲۱.

۳) آل وویتگ، الکساندر (۱۳۸۸). «کارکرد قدرت نرم»، ترجمه مهرداد مرادی، *فصلنامه سیاست راهبردی*، سال اول، شماره ۴، پاییز.

۴) افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). *قدرت نرم و نبرد نامتقارن (تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزّه)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۵) برلین، آیزیا (۱۳۷۱)، *در جستجوی آزادی*، ترجمه خجسته کیا، تهران: نشر گفتار.

۶) احمدی، حمید (۱۳۷۷)، *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*، تهران: انتشارات کیهان.

۷) احمدی، حمید (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*. تهران: نشر نی.

۸) پهلوان، چنگیز (۱۳۷۷)، *افغانستان؛ عصر مجاهدان و برآمدن طالبان*، تهران: انتشارات قطره.

۹) تورن، آلن (۱۳۷۹)، *«برابر ولی متفاوت»، مندرج در: گزارش جهانی فرهنگ ۱۹۹۸*، تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، صص ۹۰-۸۹.

۱۰) جهانی، داریوش، عزت اله عزتی و محمدحسن نامی (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر رابطه ژئوپلتیک قوم کرد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر نظریه هارتشورن»، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال هشتم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۰-۱.

۱۱) حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی، (۱۳۸۵)، «نقش هویت در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، جلد بیستم، شماره ۱، صص ۴۶-۱۵.

۱۲) حافظ نیا، محمدرضا، سید سلمان حسینی و زهرا احمدی پور (۱۳۹۲)، «سیاست دولت و مناسبت‌های بین‌قومی (مورد: قوم بلوچ و سیستانی)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۱-۱.

۱۳) حق‌گو، جواد، جعفر عظیم زداه و میثم علی‌ابادی (۱۳۹۷)، *به سوی کربلا؛ پژوهشی درباره شیعیان ایران و عراق*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).

۱۴) خوبروی پاک، محمد (۱۳۸۳)، *«نخبگان محلی، جهانی سازی و رویای فدرالیسم»*، مندرج در: ایران: هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۵-۱۷۴.

۱۵) رفعتی، حمیدرضا، حسین ابراهیمی و هادی رحمانی ساعد (۱۳۹۷)، «سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی قوم آذری)»، *فصلنامه*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

امنیت‌پژوهی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۸-۵.
۱۶) رضایی، احمدی، محمد اسماعیل ریاحی و نورمحمد سخاوتی‌فر (۱۳۸۶)، «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۰-۱۱۹.
۱۷) رینولد، ترزار (۱۳۸۹). *قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا (در جنگ عراق طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۱)*، ترجمه مجید رسولی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸) سعیدی، روح الامین و حمیدرضا مقدم فر (۱۳۹۳)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۶-۱۰۷.
۱۹) شهبازی، سهند، مسعودنیا، حسین و گودرزی، مهناز (۱۳۹۸)، «تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۸۹-۱۶۵.
۲۰) شیرخانی، علی و داود سبزی (۱۳۹۴)، «تبیین چگونگی شکل‌گیری همگرایی‌ها و واگرایی‌ها در فرایند پیروزی و بقاء انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴، صص ۴۲-۲۱.
۲۱) *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*
۲۲) گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)، *آناتومی قدرت*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
۲۳) مهدوی، اصغرآقا و نادری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار، رویکردی قرآنی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال هفتم، شمارهٔ دوم - پاییز و زمستان.
۲۴) نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل)*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۵) نجفی، موسی (۱۳۸۶)، *ساحت معنوی هویت ملی ایرانیان*، قم: نشر معارف.
۲۶) نقیب زاده، احمد (۱۳۹۸)، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل*، تهران: قومس.
۲۷) نواح، عبدالرضا، سید عبدالحسین نبوی و خیری حیدری (۱۳۹۵)، «قومیت و احساس طرد اجتماعی؛ مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه؛ قوم عرب شهرستان اهواز)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفدهم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۴-۷۴.
۲۸) وحید، مجید (۱۳۸۶)، «بحثی در سیاستگذاری فرهنگی»، *فصلنامه سیاست*. ش ۳.
۲۹) وحید، مجید (۱۳۸۳)، «کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی، بررسی زمینه‌های فکری-تاریخی»، *فصلنامه سیاست*، ش ۶۳.
۳۰) هادیان، ناصر و حنیفه ریگی (۱۳۹۳)، «ملت‌سازی ناکام در پاکستان و چالش‌های قومی: مطالعه موردی قوم بلوچ»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، صص ۴۱-۷.

ب) منابع انگلیسی

1) Nye, Joseph(1990), "The Misleading Metaphor of Decline", *Atlantic*, March 1990.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

2) Nye, Joseph(1990), *Bound To Lead: The Changing Nature Of American Power*, Basic Books.

3) Nye, Joseph(2002), *The Paradox of American Power: Why the*

4) *World's Only Superpower Can't Go It Alone*, Oxford University Press.

5) Nye, Joseph(2003), "Propaganda Isn't The Way: Soft Power", *The International Herald Tribune*, January 10, 2003, at:

https://www.belfercenter.org/publication/propaganda-isnt-way-soft-power

6) Nye, Joseph(2004), *Soft Power: The Means of Success in World Politics*, PublicAffairs.

7) Nye, Joseph S (2007), Notes for a Soft Power Research Agenda", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), *Power in World Politics*, London and New York: Routledge.

8) Nye, Joseph S (2010), The Future of Soft Power in US Foreign Policy", in Inderjeet Parmar and Michael Cox (Eds.), *Soft Power and US Foreign Policy*: Theoretical, Routledge.

9) Lukes, Steven (2007), "Power and the Battle for Hearts and Minds: On the Bluntness of Soft Power", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), *Power in World Politics*, London and New York: Routledge.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۷

حق‌گو، جواد (۱۳۹۸)، «ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه ایران فرهنگی»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۱۶۴-۱۴۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]